



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۴ / ۱۰ / ۰۶
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم			
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»			
عنوان ۳	تفسیر آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»			
عنوان ۴	تبیین ضرورت تعریف عینی صراط مستقیم			
عنوان ۵	تبیین دوگانه نعمت عامه و نعمت تامه در قرآن ❖ نعمت تامه و پیوند آن با مقام امامت			

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه شروع تفسیر آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» و در پی پاسخ به این پرسش است که چرا خداوند در سوره حمد، صراط مستقیم را به «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» اضافه کرده است. محورهای اصلی بحث عبارتند از:

- ❖ عینی سازی هدایت: برای بستن راه شبهه و تحریف، صراط مستقیم باید با مصادیق خارجی و انسانی (امامان) تعریف شود تا اتمام حجت صورت گیرد.
- ❖ دوشاخگی نعمت: تقسیم نعمت به «عامه» (مواهب همگانی خلقت) و «تامه» (مقام ولایت و رهبری). آیه مورد نظر به نعمت تامه اشاره دارد که مخصوص برگزیدگان است.
- ❖ پیوند امامت و اتمام نعمت: با تکیه بر آیات مربوط به حضرت یوسف علیه السلام و واقعه غدیر، تبیین می شود که کمال دین و تمام نعمت در گرو پیوند با مقام امامت و وجوب اطاعت از هادیان الهی است.

درآمد بحث

بحث ما پیرامون آیه شریفه «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بود که مباحث مربوط به آن به پایان رسید. بحث امروز ما در رابطه با آیه بعد از آن، یعنی «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» است.

تبیین ضرورت تعریف عینی صراط مستقیم

در اینجا چند بحث پیش رو داریم؛ بحث نخست این است که چرا خداوند متعال، صراط مستقیم را با اضافه کردن به عبارت: «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» معرفی نموده است؟ در حقیقت، این عبارت علامت و نشانه آن صراط مستقیم است. همان گونه که بیان شد، اگر تنها به ذکر «صراط مستقیم» اکتفا می شد، این مسیر با اوصاف و نشانه های کلی توصیف می گردید؛ اما برای آنکه این اوصاف و نشانه ها از آسیب تفسیرهای گوناگون و تحریف ها در امان بماند، بایستی صراط مستقیم را با نشانه های عینی، خارجی و تفصیلی معرفی کرد. بدین معنا که گفته شود این صراط، راه «این افراد» است؛ افرادی که در خارج موجودیت دارند. این شیوه تعریف، راه را بر تحریف ها و شبهه ها می بندد؛ صراط اینان! چه اینکه بسیاری مدعی هستند بر صراط مستقیم گام برمی دارند و اوصاف کلی آن نظیر عدالت، استقامت محض، حقانیت و امثال آن را به خود نسبت می دهند. لذا برای جلوگیری از خطا، شبهه و تحریف، صراط مستقیم باید با نشانه های عینی خارجی معرفی شود: صراط اینان.

پرسشگر: استاد، استدلال بر این «باید» چیست؟ اینکه «باید» به صورت مشخص تبیین شود؟

استاد: زیرا اگر نشانه های عینی در میان نباشد، مسیر قابل تفسیرها و تعبیرهای گوناگون خواهد بود.

پرسشگر: آیا سنت ابتلا و امتحان در این میان نقشی ندارد؟

استاد: سنت ابتلا به همین است که هدایت را به خوبی نمایان سازند تا در نهایت مشخص گردد چه کسی از این هدایت تبعیت می کند و چه کسی سر باز می زند. اتفاقاً سنت ابتلا در همین جا تحقق می یابد؛ یعنی تمام آنچه در هدایت نقش داشته و مؤثر است بیان شود و به تعبیر قرآن کریم، «اتمام نعمت» صورت پذیرد. اتمام نعمت به این معناست که آنچه در پیمودن صراط مستقیم انسان ها نقش دارد، تمام و کمال برایشان فراهم شود و بدین وسیله حجت تمام گردد. لذا عبارت: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» هم اتمام نعمت است و هم به تعبیری دیگر، تعیین و تشخیص خارجی «منعم علیهم» ها محسوب می شود. این اتمام نعمت است؛ چراکه دیگر مجالی برای انحراف، خطا و ضلالت باقی نمی ماند.

این حقیقتاً از شگفت انگیزترین ویژگی های مذهب تشیع و آیین ولایت است؛ اعتقاد به اینکه خدای متعال، اتم نعمت خویش را در بستن کامل راه ضلالت و اضلال قرار داده است. و این امر چگونه محقق شد؟ با تعیین امامان بر حق و هادیان معنوی. اینان معین گشتند و راه بدین وسیله تبیین شد.

تبیین دوگانه نعمت عامه و نعمت تامه در قرآن

نعمت در قرآن کریم بر دو گونه معرفی شده است که تعبیر ما از این دو نوع چنین است:

نخست: «نعمت عامه» که خدای متعال آن را برای همه خلق گسترانیده است؛ هر کس به قدر استعداد و میزان دریافت خویش از این نعمت و رحمت الهی بهره مند می گردد. در آیه کریمه «وَأَتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا...»^۱ به این نعمت عامه اشاره شده است. عبارت: «سَأَلْتُمُوهُ» در اینجا سؤالی تکوینی است و نه لزوماً زبانی؛ گویی چنین فرموده است: «وَأَتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ»؛ یعنی هر آنچه مورد نیاز شما بوده، خدای متعال برایتان فراهم

آورده است. لذا در ادامه می فرماید: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا». این همان نعمت عامه است که در قرآن کریم فراوان بدان اشاره گشته است.

بحثی پیرامون تعداد آیات سوره حمد و تقسیم بندی آن

پرسشگر: سؤالی ادبی در اینجا مطرح است؛ اجماع شیعه و سنی بر آن است که سوره فاتحه هفت آیه دارد، اما از منظر ادبی، «الذین» صفت برای «صراط» است و نباید جدا شود. چگونه صفت و موصوف را از یکدیگر جدا کرده و دو آیه شمرده اند؟

استاد: این نکته ای است که پیش تر نیز بدان پرداخته ایم. سوره هفت آیه دارد؛ چنانچه «بسم الله» را یک آیه محسوب کنید، تعداد به هفت می رسد و در روایات نیز صراحتاً آمده که این هفت آیه با احتساب «بسم الله» است. اما از آنجا که اهل سنت «بسم الله» را جزء سوره نمی دانند و گاه حتی در نماز آن را قرائت نمی کنند، برای آنکه عدد آیات هفت باقی بماند، «صراط الذین أنعمت علیهم» را از «غیر المغضوب علیهم ولا الضالین» جدا کرده اند. آنچه نزد ما معتبر است، آیه بودن «بسم الله» و تقسیم بندی مشهور تواتری است.

نعمت تامه و پیوند آن با مقام امامت

نوع دوم: «نعمت تامه» است. خدای متعال در چندین موضع از قرآن کریم به این نعمت اشاره فرموده که نصیب همگان نمی گردد؛ بلکه افراد خاصی با شرایطی معین مشمول این نعمت تامه هستند. به عنوان نمونه در سوره یوسف، آنگاه که یوسف علیه السلام رؤیای خویش را برای پدر نقل می کند: «... يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كُوكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ»^۱، یعقوب علیه السلام می فرماید: «وَكَذَلِكَ يَحْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^۲. عبارت: «يُتِمُّ نِعْمَتَهُ» نشان دهنده آن است که این نعمت برای افرادی برگزیده نظیر آل یعقوب، ابراهیم و اسحاق علیهم السلام است.

این اتمام نعمت بر آل یعقوب همان «نعمت امامت» است؛ حضرت یعقوب علیه السلام بیان می دارد که تعبیر رؤیای تو، رسیدن به مقام امامت است. مقام امامت، امری متفاوت از مقام نبوت و طبق روایات، فوق آن است. چه بسا پیامبری که دارای مقام امامت باشد، بر پیامبر دیگری که فاقد این مقام است، حق رهبری داشته باشد. بر اساس تتبعی که صورت گرفته، واژه «رسول» بر پیامبری اطلاق می شود که دارای مقام امامت و وظیفه رهبری جامعه است؛ یعنی علاوه بر ابلاغ، وظیفه امر و نهی و «وجوب طاعت» را نیز برعهده دارد. امامت در خلاصه ترین معنا یعنی: «اولی الامری که طاعتشان بر ما فرض گشته است». مقام وجوب اطاعت اصالتاً از آن خدای متعال است و تفویض این جایگاه به فردی پس از پیامبر، مقامی بس ارجمند است.

در آیه مربوط به واقعه غدیر نیز آمده است: «... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...»^۳. پیش از آن روز نیز نعمت های بسیاری بر مسلمانان نازل شده بود، اما خداوند فرمود «امروز» نعمت را تمام کردم. نکته تنها در معرفی

۱. سوره یوسف: ۴.

۲. همان: ۶.

۳. سوره مائده: ۳.

امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت نبود؛ بلکه جنبه کلیدی آن، «بیعت» مردم بود. اتمام نعمت بر علی بن ابی طالب علیه السلام پیش تر محقق شده بود؛ اما با اعلام عمومی و اخذ بیعت، این نعمت بر مردم نیز تمام گشت.

علی بن ابی طالب علیه السلام از آغاز امام بود. غدیر، روز تعیین امامت حضرت نبود؛ بلکه روز ابلاغ امامت و روز اخذ بیعت بود تا مردم با کلام «يَخِيحُ لَكَ...» خضوع خویش را اعلام کنند. این جریانی بنیادین در تاریخ اسلام است؛ چراکه برخی قصد داشتند این امر را به پیامبر نسبت دهند و نه خدا، اما آیه نازل شد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...»^۱ تا اصرار ورزد که این فرمان از جانب پروردگار است.

بنابراین، دو نوع نعمت در قرآن مطرح است: نعمت عامه و نعمت تامه که همان مقام رهبری و امامت است. عبارت «أَنْعَمْتَ» در آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» به نعمت عامه اشاره ندارد؛ بلکه مراد همان نعمت تامه است که با «فضل» و برتری بر دیگران همراه است: «ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ...»^۲ یا «أَمْرٌ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...»^۳. این فضل به معنای برتری است؛ کسی که مشمول نعمت تامه می گردد، از ویژگی های ممتازی برخوردار است که او را از دیگران متمایز می سازد.

ان شاء الله ادامه مباحث را در جلسه آتی پی خواهیم گرفت.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

موسسه حفظ و نشر آثار آیت الله اراکی

۱. همان: ۶۷.

۲. سوره نساء: ۷۰.

۳. همان: ۵۴.